

۳ نکته‌ای که باید در مورد حزقیال بدانید

جاستین استرادا

صفحات کتاب حزقیال آکنده از انواع تنش‌هاست: قوم خدا به تبعید در بابل برده شده‌اند و ساکنان اورشلیم در محاصره‌اند؛ نبی‌ای از نسل کاهنان که ۳۹۰ روز به پهلوی چپ دراز می‌کشد و از سوگواری برای مرگ همسرش امتناع می‌ورزد؛ و رؤیاهایی آمیخته با نمادگرایی پیچیده، که با پیشگویی‌های تصویری و آزردهنده همراه شده‌اند (حزقیال ۴: ۴-۸؛ ۲۴: ۱۵-۲۴). شاید بزرگ‌ترین تنش در حزقیال، در آشکارسازی شخصیت خدا نهفته باشد: خدایی متعال اما حاضر، مقدس و خشمگین از گناه اما بخشنده، و هولناک در داوری اما شگفت‌انگیز در رحمت. اگرچه این تنش‌ها بالقوه می‌توانند خواننده را مضطرب یا گیج کنند، کتاب حزقیال نام و جلال خداوند را به شیوه‌ای منحصر به فرد و آموزنده آشکار می‌سازد.

این سه نکته باید به شما در درک این تنش‌ها و لذت بردن از نبوت‌های حزقیال کمک کنند:

۱. رؤیاهای و پیشگویی‌های عجیب حزقیال، خدایی پر جلال اما قابل شناخت را آشکار می‌سازند.

برای تجربه‌ی حیرت، لازم نیست زیاد در حزقیال پیش بروید. رؤیای آغازین و فراخوان او شامل چهار موجود زنده (که بعداً کروبیان شناسایی می‌شوند) با ویژگی‌هایی هولناک و شگفت‌انگیز، و تجلی‌ای از «شبهه جلال خداوند» که حواس انسانی را به لرزه درمی‌آورد، و مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که با مأموریت او همراه است—از جمله خوردن طومار و گنگی (حزقیال ۱: ۱-۳؛ ۲۷: ۱۰؛ ۲۰). و این تنها آغاز کتاب است. اعمال نمادین، تصاویر و اظهارات، و دیدارهای خداوند پر جلال و همراهان فرشته‌اش، در سراسر آن تکرار می‌شوند (نگاه کنید به حزقیال ۱۰: ۱-۲۲؛ ۴۰: ۱-۴).

اما این را بدانید: شما باید حیرت را تجربه کنید. مواجهه با جلال خدای متعال نیازمند واکنشی از سرسپردگی و فروتنی است. حزقیال پس از دریافت آن، به رو می‌افتد (حزقیال ۱: ۲۸). بخشی از هدف این ثبت از خدمت روح‌القدس‌دار او، برانگیختن همین واکنش سرشار از خشیت در ماست. انسان‌هایی مانند حزقیال، مانند تبعیدیان بابلی، و مانند ما نمی‌توانیم خدا را بر اساس شرایط خود بشناسیم: او باید خود را آشکار کند. با این حال، اشتباه نکنید، حزقیال آشکار می‌کند که خدای حاکم ما حاضر است و خود را در سراسر جهان آشکار می‌کند، همانطور که عبارت «خواهید دانست که من خداوند هستم» در سراسر اظهارات هم به اسرائیل و هم به ملل تکرار می‌شود (حزقیال ۷: ۴، ۹؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۳: ۹ و غیره).

متأسفانه، گناه و ارتداد انسانی ایجاب می‌کند که خدای قدوس ابتدا خود را در داوری آشکار کند، که ما را به نکته‌ی بعدی هدایت می‌کند.

۲. تبار کاهنی حزقیال در تأکید بر قدوسیت خدا نمایان می‌شود.

حزقیال خود را در ابتدای کتاب به عنوان کاهن معرفی می‌کند، اما به احتمال زیاد هرگز فرصت خدمت در این مقام در اورشلیم را نیافت (حزقیال ۱: ۳). در عوض، خداوند او را فرا می‌خواند تا به عنوان نبی او خدمت کند، ابتدا اظهارات داوری را علیه قوم سرکش خود صادر می‌کند، سپس علیه ملل شرور (حزقیال ۱: ۱-۲۴؛ ۲۷؛ ۲۵؛ ۱-۳۲؛ ۳۲). علی‌رغم این تغییر مسیر خدمتی، حزقیال به شدت از دانش کاهنی خود بهره می‌برد، به ویژه در مورد قدوسیت خدا در داوری.

حزقیال، در مقام نبی پر از روح، در آشکار کردن تخلفات کلیسای عهد قدیم علیه شریعت عهد و ناپاکی آنان از طریق بت‌پرستی کوتاهی نمی‌کند (حزقیال ۵: ۵؛ ۶؛ ۱۶؛ ۵۹). این اعمال در واقع «نام» خداوند را به خطر می‌انداخت و خدا را بر آن می‌داشت تا با برداشتن حضور پر جلال خود (که با تخت آسمانی و قابل حمل او نمادین شده است) از اورشلیم، قداست آن را حفظ کند و روزی شوم را برای آن تعیین کند (حزقیال ۲۰: ۹، ۱۴). حزقیال زشتی سرکشی اسرائیل را از طریق نمایش‌های ادبی مختلف نشان می‌دهد، که شاید هیچ کدام از آنها به اندازه‌ی تمثیل دو خواهر بی‌وفا آزاردهنده نباشد (حزقیال ۲۳: ۱-۴۹). و مبادا ملل از سقوط اورشلیم خوشحال شوند و خود را شکست‌ناپذیر بدانند، حزقیال هفت پادشاهی اطراف را - که نماد همه‌ی ملل جهان هستند - با اظهارات داوری مشابه هدف قرار می‌دهد. آنان نیز برای شرارت و سرکشی خود علیه خدای قدوس پاسخگو خواهند بود و جهان جلال او را از طریق داوری آنان خواهد شناخت.

اما مبادا اسرائیل امید خود را از دست بدهد، حزقیال مفهوم کهنانت دیگری را برای پیش‌بینی بازسازی به کار می‌گیرد: معبد.

۳. عیسی پیشگویی‌های حزقیال در مورد بازسازی را به عنوان معبد خدا به انجام می‌رساند.

حتی در میان داوری، خدای پر جلال و قدوس اسرائیل، بازسازی را نبوت کرد. او قوم عهدی خود را به همان اندازه که حزقیال شاهد احیای استخوان‌های خشک بود، دوباره زنده می‌کرد (حزقیال ۳۷: ۱-۱۴). با این حال، خداوند آنان را صرفاً به وضعیت خود پیش از داوری باز نمی‌گرداند، بلکه آنان را تطهیر می‌کرد و قلبی نو به آنان می‌بخشید، آنان را دوباره در پادشاهی اجدادی خود مستقر می‌کرد، شاهزاده‌ای عادل از نسل داود را بر آنان قرار می‌داد و برای همیشه در میان آنان ساکن می‌شد (حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۷؛ ۲۸). حزقیال این وضعیت تغییر یافته‌ی صلح عهدی را بیش از همه از طریق رؤیای معبد جدید به تصویر می‌کشد، که حضور ابدی خداوند را نمادین می‌سازد، همانطور که نام شهر، «خداوند آنجاست» این را روشن می‌کند (نگاه کنید به فصل‌های ۴۰-۴۸).

تحقق پیشگویی حزقیال فراتر از بازسازی معبد دوم است و در عیسی به اوج خود می‌رسد. نوشته‌های الهام‌شده به یوحنا رسول بر آن شهادت می‌دهند. کمال جلال خدا در پسر مجسم خدا ظاهر می‌شود، که در میان قوم خود مسکن می‌گزیند و خدا را به آنها می‌شناساند (یوحنا ۱: ۱۴-۱۸). عیسی خود را با معبد یکی می‌داند، مقایسه‌ی آسیب‌تخریب آن با مصلوب شدن خود و جلال بازسازی آن با رستاخیز خود (یوحنا ۲: ۱۸-۲۲). علاوه بر این، همانطور که حزقیال رودخانه‌ای را می‌بیند که از معبد جاری می‌شود، به تمام جهان حیات می‌بخشد، عیسی خود را منبع آب‌های زنده اعلام می‌کند (یوحنا ۴: ۱-۴۳؛ ۷: ۳۷-۳۹).

در رؤیای نهایی خود، یوحنا همین رودخانه را می‌بیند که از تخت خدا و بره جاری است و تطهیر و شفا را برای قوم خود در میان ملل به ارمغان آورده است (مکاشفه ۲۲).

تنش بزرگ کتاب حزقیال به بزرگ‌ترین امکان قابل تصور شکوفا شده است: حضور ابدی خدا و بره.

این مقاله بخشی از مجموعه «هر کتاب از کتاب مقدس: ۳ نکته‌ای که باید بدانید» است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

کشیش جاستین ای. استرادا، شبان ارشد کلیسای مشایخی ردیمر در کینگزویل، مریلند است.

